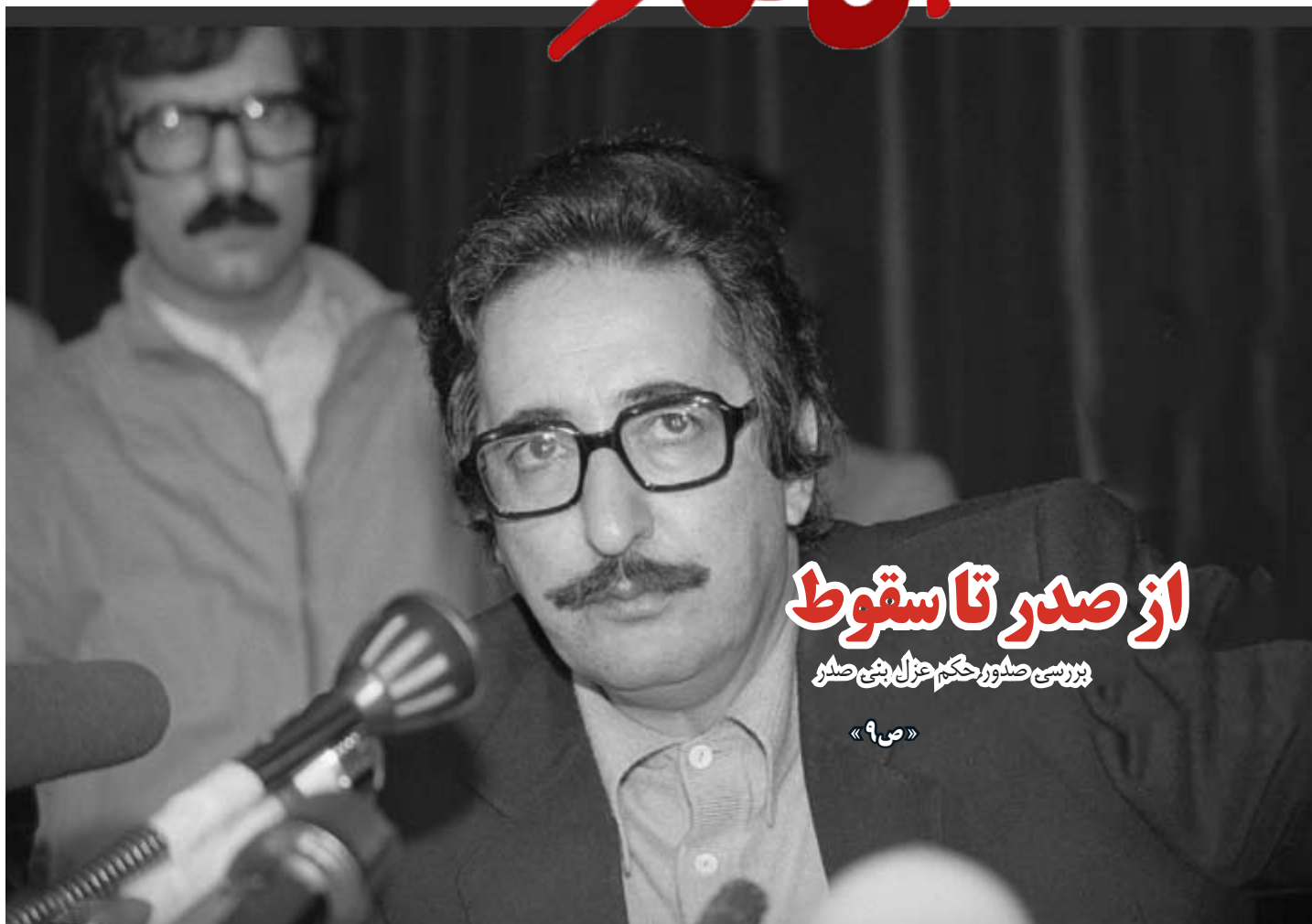


بسمه



از صدر تا سقوط

بررسی صلور حکم عزل بنی صدر

«ص ۹»

سخن سردبیر

رمزگشایی آینده ایران

عد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره) و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی بر پایه‌ی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی شاهد تغییر رویکرد در همه حوزه‌ها در کشورمان شدیم. در سیاست داخلی «جمهوریت» جای «استبداد» را گرفت تا این مردم باشند که با حضور خود در پای صندوق‌های رای مسئولان خود را از صدر تا ذیل را انتخاب می‌کنند.

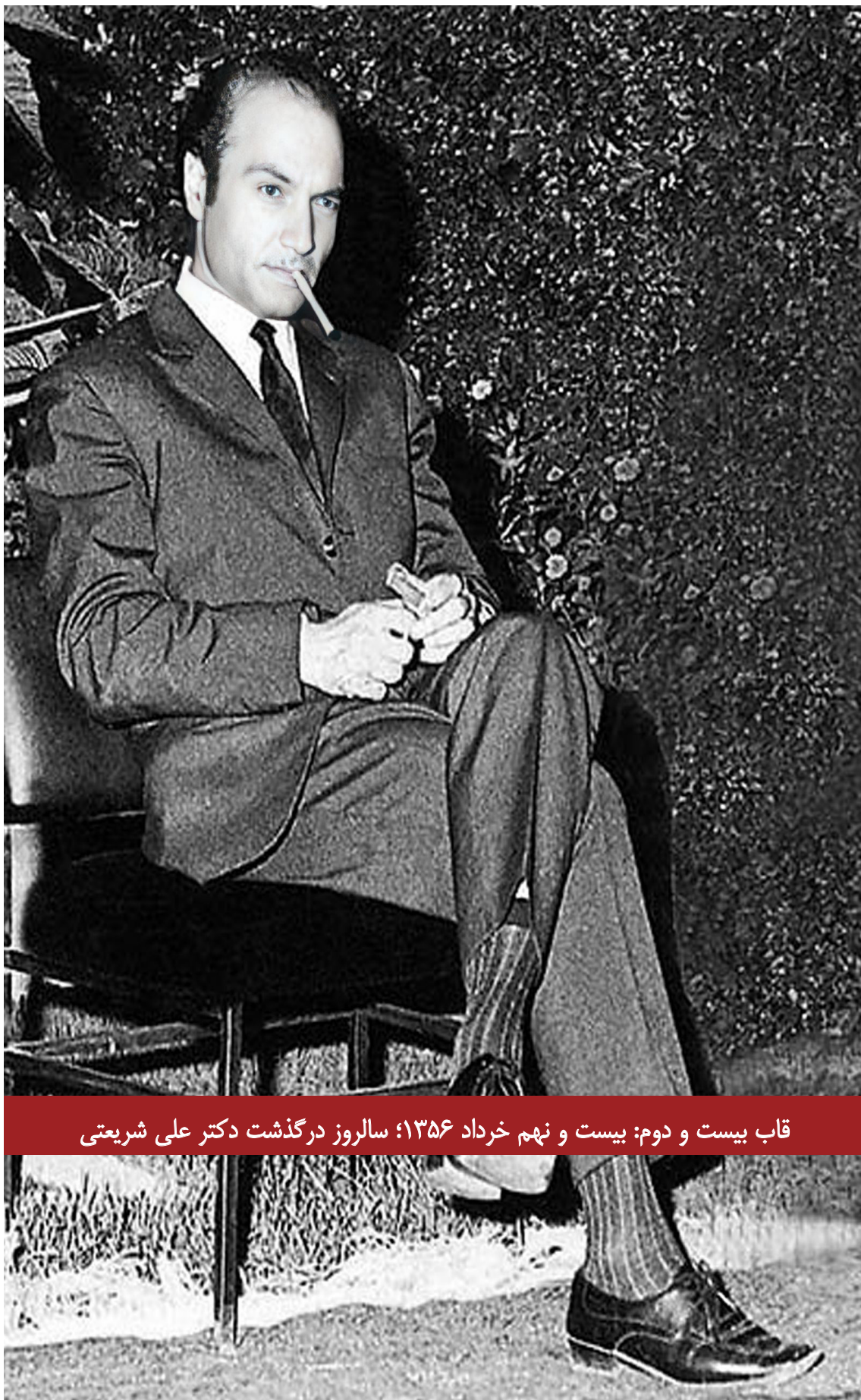
در کشور ما نظام مردم‌سالاری دینی حاکم شد و به یمن استقرار این نظام مقدس تقریباً در هر سال یک انتخابات باشکوه برگزار شده‌است که این مهم در هیچ جای دنیا مانند ندارد.

در این راستا انتخابات به کلید توسعه و پیشرفت و امید آفرینی در کشور مبدل شد چراکه در این فرایند اساسی حکم ماندن و یا رفتن یک مسول در دست مردم است. واقعیت آن است که حضور مردم در انتخابات یک فرصت بی‌بدیل برای تعیین سرنوشت آنها در انتخاب مسئولان در رده‌های مختلف مدیریتی فراهم می‌کند.

اگر مسئولان نمایندگان و روسای جمهور با رای حداکثری مردم انتخاب شوند دارای یک پشتوانه قوی برای انجام امور پیش رو خواهند بود. همچنین مشارکت گسترده در انتخابات می‌تواند یک بازدارندگی قوی در برابر نقشه‌های شوم دشمنان ایجاد کند. در حالیکه دشمن تلاش می‌کند جایگاه مردمی نظام اسلامی را خدشه دار کند و در عین حال مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران را تضعیف نماید.

انتخاب اصلح یک امر عقلایی است آیه و روایت هم نمی‌خواهد. در انتخاب اصلح، آیا کسی که راه خودش را می‌رود بهتر است یا کسی که باید دست او را بگیرند. نرگس خطیب دماوندی

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به: شهید سید ابراهیم رئیسی و همچنین سایر همراهان ایشان که برای خدمت به مردم از جان خود دست شستند.



قاب بیست و دوم: بیست و نهم خرداد ۱۳۵۶؛ سالروز درگذشت دکتر علی شریعتی

طوفان چهاردهم امابی خبر

انتخابات چگونه پیش بینی خواهد شد!

● نازنین زهرا منیبی - کارشناسی مهندسی عمران

از برادری می‌زنند. مردم از نزاع و بی‌احترامی بسیار خسته‌اند. مردم رئیس جمهوری باغیرت، صادق، مدبر، با اراده و با سیاستی می‌خواهند که خالصانه به آن‌ها خدمت کند، یاری رسان محرومان باشد، از هیچ تلاش و تدبیری برای پیشرفت کشور و آسایش جامعه دریغ نکند.

مرد عمل می‌خواهند برای عمل کردن به تمامی قول‌ها و برنامه‌های فاخری که قبل از انتخابات به مردم ارائه دادند، آن‌ها را نپوشد که چند صباحی پس از منتخب شدنشان همه چیز را طوری فراموش کنند که انگار هیچ وقت چنین حرف‌هایی نه تنها نزدند بلکه حتی به گوششان آشنا هم نیاید.

کسی که زیر بار ذلت از طرف دشمن نرود و با عزت برای رشد و تعالی کشور خود قدم بردارد.

کسی که نیش و کنایه‌های مردم را ببیند و بشنود اما باز هم تمام فکر و ذکر و دغدغه‌اش همان مردم باشد، تهمت‌های ناروا را به جان بخرد، در مقابلشان سکوت کند و گلایه‌اش را تنها پیش امام و خدای خود ببرد.

مردم رئیسی دیگری می‌خواهند که خدمت ناتمام این شهید عزیز را تمام و ادامه دهد.

یار کشی کنند و چهره‌ی واقعی خودشان را نشان دهند. اینبار مردم داغدار و خسته از دعواها، بی‌احترامی‌ها و تهمت‌های هردوره هستند. مردم از رئیس جمهور جدید چه توقعاتی دارند؟! قبل از اینکه بیان شود مردم از رئیس جمهور جدیدشان چه توقعاتی دارند، بیان انتظارات مردم از کاندیداها، ریاست جمهوری در اولویت است.

قطعا مقتضای انتخابات بیان اختلاف نظرها، بحث درباره آن‌ها و گاهی کل کل میان کاندیداها است و در مناظره‌هایی که قرار است رخ دهد همه این‌ها تا حدی جای خود را دارند؛ اما احترام حرف اول را می‌زند.

به طور قطع کوچک‌ترین خواسته مردم در مقابل رئیس جمهور آینده‌شان رعایت احترام است و قطعاً برایشان خوشایند نیست که افرادی که سالیان سال بار مسئولیت اسم «خادمان مردم» را به دوش کشیدند و تمام عزت و آبرویی را که یک عمر برایش زحمت کشیده بودند را طی چند ساعت کوتاه پشت میزهای مناظره و دیگر تریبون‌هایی که در اختیار دارند توسط دیگری و حتی خودشان به یکباره زیر سوال رود و یکدیگر را آنچنان به زمین کوبند که دشمن با دشمن خود نمی‌کند چه بسا این جماعت متدینی که حرف

با اینکه داغ مردم هنوز آرام نشده و غم‌شان تسکین نیافته غوغای موج انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری به گوش میرسد و آرام آرام افرادی آشنا و نیمه آشنا که شاید داشتند خودشان را برای سال بعد آماده می‌کردند، شناسنامه به دست به پای میز ثبت نام نهمین رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران آمدند و این تازه آغاز جنجال چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری است در حالیکه دوره سیزدهم به پایان خود نرسید، و این جنجال برای مردم دلتنگی است که نیت کردند چهل شب ختم زیارت عاشورا بگیرند تا بلکه مردی لایق، جایگزین «سید عزیزشان» شود.

انتخابات پر هیاهویی است. چهره‌های صاحب نامی که هرکدام بار سمت و منصب بزرگی را در تاریخ این انقلاب به دوش کشیده‌اند، حال با سبک و سیاق مختص خود به میدان آمده‌اند و چه بسا زرنگ ترهانشان قبل از اعلام نتایج تایید و رد صلاحیت‌ها تبلیغات رسانه‌ای و شعارهای طوفانی خود را شروع کردند. کل کل همیشگی میان جناح اصلاحات و اصول‌گرایان شروع شده است و مثل هر بار معلوم نیست که تا کجا و تا چه حد بیخ پیدا کند و هرکدام از کاندیداها در این میدان چطور

آسمان هشتم

حضور پرشور مردم در تشییع پیکر شهدای خدمت

فاطمه خلیلی یگانه-کارشناسی تاریخ

مملکتی که نابه‌هنگام رئیس جمهور، وزیر امور خارجه و چند تن از افراد مهم کشور خود را از دست داده‌اند، آب در دل کسی تکان بخورد، امکان پذیرست؟ روز پراهمیت دیگری به رویدادهای تاریخی ایران، افزوده شد. همچنان که این جریان حرکت رو به جلو خود را پر قدرت و بدون ناامیدی ادامه می‌دهد، یکی یکی بر تاریخ جمهوری اسلامی ایران، نام شهید دیگری اضافه می‌شود، بدون آن که، از حرکت به سمت قله باز بماند. مردم حماسه ساز ایران، مفتخر به شهادت آگاهانه هستند و این نعمت است. ولایت فقیه نعمتی اکبر است و وجود پراهمیت و حیاتی آن راه، در روزهایی که دشمن برای ذره‌ای تزلزل در کشورمان، پوزهاش به آب و تاب افتاده بود، درک کردیم. اگر هم درک نکردیم، کافی است به روزها و شب‌هایی که از سر گذرانده‌ایم می‌اندیشیم!

مگر جز دل، چیز دیگری می‌توانست میلیون‌ها نفر از مردم راه، از هز قشر و صنف و سن، در شهرهای گوناگون، به خیابان بیاورد؟ حقانیت خون شهید به آن هم می‌تواند باشد که باطل بودن تمام تهمت‌ها و قضاوت‌های او را، آشکار می‌سازد. برخی می‌گویند تشییع پیکر شهید جمهور، مانند شهید بهشتی است؛ عده‌ی زیادی برای عذرخواهی می‌آیند. حلالیت از شهید می‌خواهند برای قضاوت‌های تکراری. همانا که عزت ابدی را خدا می‌دهد! تابوت شهدا بر دستان مردم، همچون یاسی که در شفافیت رودخانه، تاب می‌خورد، حرکت می‌کرد. این همان جریان انقلاب اسلامی است که مردم همواره آن را به حرکت درآورده‌اند. اما چنین حرکت رو به جلویی، بدون درایت رهبرانقلاب که با کلمات نافذ و قاطع خود، نگذاشت در

روز عجیبی بود که افکار دلهره‌آوری به ذهن‌ها خطور می‌کردند و انکار می‌شدند. کمتر کسی می‌خواست سفر آسمانی آن هشت نفر، برگشتی نداشته باشد. همیشه عده‌ای هستند که، در مواقع حساس کشور خود، در قامت منافق، وطن فروشی می‌کنند. آن‌ها پوزخندی می‌شوند از لب دشمن، به روی خاک کشور و شهدای کم نظیر آن. چطور می‌گوییم کم نظیر؟ مصداق‌ها می‌توان آورد که فقط در آن هشت ساب دفاع مقدس نبوده و ریشه‌ی این دلاوری، در عمق تاریخ ایران کهن است. حتی نمونه‌ی بارز آن را در معاصر، می‌توان به پسرکی اشاره نمود که در دل آتش می‌زند و پس از نجات خانواده‌اش، خود در میان شعله‌ها، به گلستان ابراهیم(ع) می‌پیوندد.

خاک ایران شهید پرور است. مردان و زنانی را در جان خود، پرورش می‌دهد که خدمت آن‌ها، نام ایران را جاودانه ساخته و می‌سازد. اما آن روز عجیب، اتفاق غیرقابل باوری دیگری را تاریخ میهن رقم زد. انگار روز شهادت حاج قاسمی که مردم او را لقب سردار دل‌ها دادند، دوباره تکرار شد. سفر آسمانی آن هشت نفر، ابدی شد. مردمی که شب گذشته در خیابان‌ها یا خانه خود، دست به دعا برداشته بودند، رخت‌های مشکی بر تن کردند و برای شهدای خدمت به همان خیابان‌ها آمدند.



شنبه بلا تکلیف

تعطیلی روزهای شنبه به جای پنجشنبه‌ها

● فاطمه کمالی‌خواه - کارشناسی مهندسی مکانیک

به جراحی فرهنگی مهمی زده شود؟! آیا راهکار دیگری برای حل مشکلات وجود ندارد؟

این موضوع میان علما و صاحب نظران دینی نیز موافقان و مخالفانی دارد؛ در حالی که مغایرت تعطیلی شنبه با موازین دینی و شرعی توسط برخی از مراجع تقلید نظیر آیت‌الله جوادی آملی رد شد و ایشان در پاسخ به استفتا، تعطیلی روز شنبه در جهت افزایش هماهنگی و تعاملات اقتصادی و کاهش مشکلات اقتصادی کشور را بلامانع دانستند. حجه الاسلام حاج علی‌اکبری، خطیب نماز جمعه تهران طی سخنانی به این موضوع اشاره نمودند و اظهار داشتند که «فاصله زمانی ما با اروپا حدود سه تا چهار ساعت و با آمریکا و اقیانوسیه در مواردی بیش از ۱۵ ساعت است؛ بنابراین هنگام روز ما در ایران با شب آن‌ها همزمان است. آیا باید روزها را تعطیل کنیم و شب‌ها کار کنیم تا از همسویی با کشورهای غربی و همراهی با یهودیان عقب نمایم؟»

آنچه مسلم است در موضوع الحاق «شنبه» به «جمعه» به عنوان روزهای تعطیل آخر هفته، علاوه بر در نظر گرفتن فواید اقتصادی آن، می‌بایست تبعات و آثار ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دینی آن نیز مورد توجه قرار گیرد و همزمان با اقناع فعالان اقتصادی و تسهیل روابط اقتصادی بین‌المللی، دغدغه و حساسیت سایر احاد جامعه نیز در این خصوص لحاظ شود. چرا که عدم توجه به هر یک از ابعاد مذکور می‌تواند نتیجه عکس داده و اجرای طرح فوق را با چالش‌های اساسی مواجه نماید.

مواجهه شود، آن‌ها اظهار می‌کنند که انتخاب روز شنبه به عنوان تعطیلات می‌تواند تأخیر در مبادلات تجاری ایران با جهان را، کاهش داده و از این منظر بهترین حالت برای تعطیلات دو روزه در ایران را با توجه به نظرات کارشناسان و فعالان اقتصادی، شنبه‌ها می‌دانند. بنابراین موافقان این طرح، تعطیلی شنبه به جای پنجشنبه را گامی مهم جهت افزایش مرادوات اقتصادی با سایر کشورها دانسته و بر این باورند که تنها اگر تعطیلات آخر هفته در روزهای جمعه و شنبه باشد رشد اقتصاد، حفظ منافع ملی و عمل به شرع مقدس را همزمان می‌توانیم داشته باشیم.

در مقابل مخالفان این طرح، تعطیلی شنبه به جای پنجشنبه را، زیر سوال بردن برخی آداب دین و نیز سبک زندگی سنتی و اصیل ایرانی می‌دانند و اینطور بیان می‌کنند که از یک سو نیمه تعطیل بودن پنجشنبه در کشور ما ریشه دارد و با یک لایحه، نمی‌توان ریشه این درخت کهنسال را برید و در نتیجه با باقی مانده تعطیلی و نیمه تعطیلی پنجشنبه‌ها و اضافه شدن تعطیلی شنبه بر آن سه روز تعطیل در هفته خواهیم داشت و عملاً کشور با کاهش شدید بازده کار در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه‌های اقتصادی خواهد شد. از سویی دیگر تعداد افرادی که به طور مستقیم درگیر تعاملات، تجاری، مالی و بانکی بین‌المللی هستند را در مقابل جمعیت ۲۴ میلیونی شاغلین در کشور کمتر از پنج درصد دانسته و این پرسش را مطرح می‌نمایند که چرا برای چنین کسر کوچکی از نیروی انسانی کشور باید دست

سرآخر مصوبه پرماجرای این سال‌ها در مجلس به تصویب رسید؛

تعطیلی روز شنبه و اما آنچه این مصوبه را پرماجرا می‌کند موافقان و مخالفان بسیار با دلایل درست و نادرست است که هر کدام سرانجام این مصوبه را در نقطه ای نیک یا بد در آینده نانوشتۀ ایران مان می‌دانند. اگرچه اعتقاد بسیاری بر اینست که انتقال تعطیلی از «پنجشنبه و جمعه» به «جمعه و شنبه» از نظر قانون و شرع بلامانع است و آن را در راستای حفظ و ارتقای مصالح کشور می‌دانند، اما برخی دیگر مصرانه بر این باورند که به این دلیل که روز شنبه روز آغازین هفته و از سال‌های دور روز کاری بوده است، مصوبه تعطیلی برای آن، می‌تواند به شدت آسیب‌زا و موجب ضربه به ساختار اقتصاد و بنیان فرهنگی ایران‌مان شود و در نتیجه عاملی برای سردرگمی، کاهش انگیزه و در نهایت پایین آمدن بازده کاری گردد. آثار ایجاد تغییرات در تعطیلی آخر هفته به صورت الحاق «شنبه» به «جمعه» را می‌توان در دو دسته اقتصادی و اجتماعی مورد تحلیل قرار داد.

موافقان این مصوبه بیان می‌دارند که روزهای تعطیل بسیاری از کشورهای طرف تجارت ما، شنبه و یکشنبه هست که چون در آن کشورها یکشنبه‌ها به خاطر انجام مراسم‌های مذهبی مسیحیان و در ایران جمعه‌ها به خاطر انجام مراسم مذهبی تعطیل می‌باشد؛ در نتیجه چهار روز غیر مشترک تعطیل میان ایران و شرکای تجاری آن وجود دارد که موجب می‌شود ارتباطات اداری مانند امور بانکی، گمرکی و... در موارد مهمی با مشکل

دولت‌مرد واقعی کیست

بایدها و نبایدهای منتخب مردم

● نرگس خطیب دماوندی - کارشناسی زیست گیاهی

جهان به استثناء رژیم صهیونیستی و نظام‌های سلطه‌گر، تلاش بر تقویت و حفاظت از جمهوری اسلامی داشته باشد.

پنجم، رئیس‌جمهور باید تقویت کننده عزت ملی، اعتماد ملی و حس عضویت ملی باشد. عزت و اقتدار ملی نیازمند حکمتی است از جنس حکمت رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران که در سطح جهانی بر مبنای عزت، حکمت و مصلحت حرکت کند و در سطح ملی تمامی عوامل قدرت آفرین که موجب حس افتخار و بالندگی را فراهم می‌کند، بوجود بیاورد و ابعاد مختلف قدرت ملی در مواجهه با نظام‌های سلطه جهانی را تقویت کند. مهم‌ترین رکن امنیت ملی؛ اعتماد ملی و حس عضویت همگانی در نظام حکمرانی ملی کشور است. ششم، از جمله معیارهایی که امام خمینی برای رئیس‌جمهور منتخب مردم در نظر داشتند، دلسوزی نسبت به مردم است. چرا که یک مسئول اگر دلسوز مردم نباشد و به فکر مصالح خود باشد، هیچ گاه نمی‌تواند وظیفه‌ای را که درباره خدمت‌رسانی و خدمت‌گذاری نسبت به مردم بر دوش دارد، انجام دهد.

از همین رو مسئولیتی که بر دوش مردم به عنوان نهادی که قرار است ریاست جمهوری را برگزیند، مسئولیتی است سخت و سنگین چرا که هر انتخاب درست یا اشتباه می‌تواند، آینده ایران را طور دیگری رقم بزند. مردم باید تمام ویژگی‌های افراد را در نظر گرفته و آنچه به معیارهای درست و اصولی نزدیک‌تر باشد، انتخاب نمایند.

و برخوردار از دانش مدیریتی کارآمد باشد. رئیس‌جمهور باید تفاوت متغیرهای اصلی و فرعی و عناصر اساسی سلامت و تعالی فردی و اجتماعی جامعه را بداند و از طرف دیگر به نسل‌های بعدی و دوره‌های بعدی سایر روسای جمهوری که بعد از خواهند آمد نیز فکر کند، در واقع باید رویکرد پیشرفت پایدار اسلامی ایرانی داشته باشد. توجه همزمان به نیازهای معنوی و مادی، نیازهای آموزشی و پژوهشی، بهداشت و درمان، مسکن و غذا و تامین متوازن همه امور مرتبط با بخش صنعت، کشاورزی و خدمات و فرهنگ، اقتصاد و سیاست، امری است بسیار مهم که عدم اشراف بر مدیریت جامع‌نگر، مدیریت کلان و مدیریت راهبردی مخاطرات زیادی از جمله رشد ناقص و بحران‌های ناشی از فقدان منابع اساسی رشد اقتصادی و اجتماعی را بدنبال می‌آورد.

چهارم، جمهوری اسلامی ایران محصول انقلاب اسلامی و نه گفتن به طاغوت ایرانی و سلطه جهانی است که تاکید بر جمهوریت و اسلامیت نظام بصورت همزمان دارد و خود را حافظ و تقویت کننده جمهوریت و اسلامیت نظام می‌داند. جمهوری اسلامی ایران به تعبیر حکیم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای کشور و «دولت مقاومت» است که به اقتضای انقلابی بودن آن و نه گفتن آن به نظام سلطه جهانی، دشمنی‌های گسترده‌ای او را احاطه کرده و عرصه‌های قدرتی آن را نشانه می‌گیرد. رئیس‌جمهور ایران باید صحنه جهانی و خصوصا صحنه سلطه جهانی را ببیند و ضمن تعامل سازنده با همه دولت‌های

در روزهایی که فضای انتخابات ریاست جمهوری بسیار داغ، شلوغ و به نسبت پر تنش است، فارغ از آن که چه کسی در ثبت نام ریاست جمهوری شرکت کرده، چه کسی تایید شده و چه کسی تایید صلاحیت نشده است، چند مسئله در پیش چشمان مردم پر رنگ تر از همیشه بوده و دقت بیشتری را طلب می‌کند.

اول، اعتماد به کاندید منتخب است، از سوالاتی که بسیار شنیده خواهد شد، همین مطلب است؛ به طور واضح و مشخص فردی می‌تواند عنوان معتمد را به خود جلب کند که در کنار برنامه‌ریزی مدون و رعایت برنامه ریخته شده، پیش از آن عملی نیز داشته باشد. بدین معنا که اگر عملی در پس برنامه‌ها وجود نداشته باشد، ضریب اطمینان به فرد به مقدار محسوسی کاهش می‌یابد.

دوم، رئیس‌جمهور باید نماد انسجام و نظم فکری باشد. جهت‌گیری‌های فکری، معرفتی و ارزشی و ارکان قانونی و حقوقی و منابع جهت‌دهی صحیح کشور و نظام بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات و منابع و حدود اختیارات رئیس‌جمهور را بداند. عدم انسجام فکری بر رفتار رئیس‌جمهور تاثیر بسیار جدی دارد و می‌تواند اولویت‌ها را به مخاطره بیاندازد، امور مخاطره‌انگیزی که زندگی مردم را به خطر می‌اندازد نادیده بگیرد، همه جانبه‌نگری را دچار اختلال جدی کند؛ تصمیمات شخصی و کارشناسی نشده و بدون پشتوانه قانونی و حقوقی را افزایش دهد. نظم فکری رئیس‌جمهور موجب تامین عدالت و بجان‌شینی امور می‌شود.

سوم، رئیس‌جمهور باید جامع‌نگر

پرستیز عزت‌مندان بر قامت شهید دیپلمات

شهید امیرعبداللهیان، زبان‌گویای جبهه مقاومت

● نرگس علی‌نقیان - کارشناسی جامعه‌شناسی

عزت‌مندان‌ترین فعالیت‌های شهید دیپلمات در مواجهه با جبهه مقاومت، تمامیت ارضی ایران و به ویژه، مسئله اکنون جهان یعنی فلسطین می‌باشد. در جهانی که در مجمع بین‌المللی آن، در مواجهه با نسل‌کشی صهیونیست‌ها سکوت اختیار میکنند و شعارهای حقوق بشری خود را در مقابل چشم همگان زیر سوال می‌برند، دیپلماسی عزت‌مندان ایران به همراه دیپلمات‌غیر خود این ساختار را می‌شکند و در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد چهره و خوی وحشیانه و غاصب صهیونیستی، این دولت نامشروع غربی را با سخنان خود بر همه عیان می‌کند؛ و از تمامیت ارضی ایران در مقابل حمله گستاخانه رژیم صهیونیستی به مستشاران ایرانی در سوریه به دفاع برمی‌خیزد. گویی از میان تمام مدعیان دموکراسی و حقوق بشر در جهان تنها این شهید دیپلماتی زبان خاموش کودکان غزه و مقاومت در جهان می‌شود.

شاید به زعم برخی داشتن پرستیز دیپلمات گونه و زبان خارجی از اهم موضوعات باشد لکن شهید امیرعبداللهیان عزیز ما با زبان کودکان شهید غزه، پرستیز دیپلماتی عزت‌مندان را که تا سال‌ها در گور خفته بود، احیا کرد.

تا پیش از آن عده‌ای دم از دنیای گفتمان‌ها می‌زدند و نیاز عموم دیپلماسی خارجی ایران را در دادن دست دوستی به طرف غربی می‌دانستند. با وجود چنین دیدگاهی نه تنها پیوند دوستی برقرار نشد بلکه رشته‌های دوستی با همسایگان نیز از هم گسست. به قولی از آنجا مانده و از اینجا رانده شده بودیم. در چنین وضعیتی که باور عموم جامعه بر این بود که راه‌های دیپلماسی بر ایران بسته شده است، دولت شهید رئیسی با سکان داری وزارت خارجه با شهید امیرعبداللهیان، دیپلماتی عزت‌مندان را به رخ جهانیان کشیدند.

در دوران شهید دیپلمات، روابط با همسایگان و لزوم آن به شکل جدی تری دوباره از سر گرفته شد. از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین آن می‌توان به روابط مجدد با عربستان اشاره نمود. عربستانی که تا سال‌ها به سبب روابط تیره از مخالفان جمهوری اسلامی حمایت می‌کرد با از سرگیری مجدد روابط دوستی، حمایت‌های خود را از معاندان ایران قطع نمود. تا جایی که حتی حملات به یمن نیز کاهش پیدا کرد. مسائل مربوط به آذربایجان و قفقاز نیز که حساسیت‌هایی برانگیخته بود نیز به سبب همین دیپلماسی دقیق کنترل و حفظ گردید. اما مهم‌ترین و می‌توان گفت

در برگ صفحات تاریخ ایران همواره و تا همیشه تاریخ‌هایی بوده و خواهند بود که دل مردمان این دیار را به درد خواهد آورد. ۷ تیر، ۸ شهریور و ۳۱ اردیبهشت. همان‌گونه که این تاریخ‌ها و روزها به نام بهشتی، رجایی و باهنر گره خورده است؛ از این پس نیز در خاطر ایرانیان ۳۱ اردیبهشت با نام‌های شهید جمهور، شهید دیپلمات، شهید... پیوند خورده است.

این تاریخ حماسه‌ساز اگرچه دو شهید جمهور برای مان به یادگار گذاشته است اما برای نخستین بار است که شهید دیپلمات به میراث گذاشته است. میراثی که نه تنها می‌توان آن را در چارچوب وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد؛ بلکه می‌توان نتایج دیپلماسی مقاومت را در وجب‌به‌وجب خاک خاورمیانه دردمند و به ویژه در جبهه مقاومت امروز، یعنی فلسطین تماشا کرد.

از زمانی که شهید حسین امیرعبداللهیان سکان دار وزارت امور خارجه شد به وضوح تغییرات چه در حیطه عملکرد و چه در گفتمان و خط مشی وزارت خارجه قابل مشاهده بود. تغییرات به نحوی صورت گرفته بود که به صورت شفاف عموم مردم نیز می‌توانستند آن را درک نمایند و نسبت به آن دیدگاه مثبت داشته باشند.

امام شنبه تا جمعه

مروری بر زندگانی پربرکت شهید سید محمدعلی آل هاشم

فاطمه پیروزیبا - کارشناسی ادیان و عرفان

تمام قشر های جامعه بود. روز دانشجو یا ۲۷ آذر که با دانشجویان جلسه داشتیم، دیدم که فقط یک طیف خاصی حضور دارند. منم گفتم چرا تحکیم وحدت نیست؟ چرا انجمن اسلامی نیست؟ و این نشان از اهمیت دادن آیت الله آل هاشم به وحدت احاد مردم است سخن خود ایشان؛ همه ی تشکل ها با من در ارتباط هستند. و گاهی به دانشگاه و سلف دانشگاه ها سر میزنم. روز سیزده به در به سربازی یگان ویژه ارتش رفتم و تا افطار آنجا ماندم. در مصلى درب ویژه شخصیت‌ها داشتیم که دستور دادم آن را بردارند. غیر از فعالیت های سیاسی و مردمی کلاس خارج فقه برگزار می‌کردند و دفتر پاسخگویی به سوالات شرعی داشتند. همچنین بر پیکر خانواده شهدا نماز می‌خواندند. یک ویژگی زیبای ایشان این بود که افزایشی برایشان معنی نداشت خودشان می‌فرمایند؛ یک اخوی دارم که قرار بود رئیس سازمان جهاد استان بشوند که من اجازه ندادم. و اخوی دیگرم که قرار بود قائم مقام صدا و سیمای استان باشند که باز من اجازه ندادم. فرزندانم هم نگذاشتم که آقازاده باشند. و این متن را با جمله ای سوزناک از خودشان به پایان میرسانم. دوتا امام جمعه شهید دارد تبریز. آیت الله قاضی طباطبایی و آیت الله مدنی. که هر دو شون هم سید بودند. انشالله سومی هم به اونها پیوند.

به امام جمعه تبریز معروف هستند. توطئه اخیر دو قطبی سازی در کشور به فرصت تقویت گفتمان سازنده تبدیل شده است. گام دوم انقلاب نیازمند حرکت عمومی با محوریت جوان متعهد و حزب‌اللهی و با نگاه کادرسازی است. از همین رو با هدف انسجام بخشیدن به ترتیب ایمانی و انقلابی برگزاری جلسات تفسیر و نهج البلاغه در مساجد با حضور علما در قالب یکشنبه‌های علوی دوشنبه‌های تفسیری و سه‌شنبه‌های مهدوی مساجد قرار دارد. یکی از بهترین ظرفیت‌های مقابله با جریان تحریف و راهکار غلبه بر توطئه بن‌بست نهایی دشمن پایه کار آوردن نخبگان علمی و دانشگاهی برای بسترسازی ورود نخبگان به عرصه حکمرانی و استفاده از ظرفیت‌های عالمانه ایشان است در مصاحبات، اطرافیان ایشان به مردمی بودن آیت الله آل هاشم اعتراف کرده اند. مصداق آن را میتوان در حضور خود ایشان در استودیو در سال ۹۶ مشاهده کرد. از برگزاری جلسات حضوری و نزدیک با خود مردم و شنیدن مشکلات آنها تا رفت و آمد در بازار و ارتباط با کسبه همگی نشان از مردمی بودن ایشان است. یکی از کسبه بعد از دیدار اول با ایشان می‌گفت (ما حاج آقا رو نمیشناختیم. پدرشون رو می‌شناختیم. ایشان رو دیدیم دیگه نور علی نور شد. فوق العاده بود ایشان). ویژگی دیگر ایشان اهمیت دادن به

رهبر انقلاب: «تمام کسانی که همراه آیت الله رئیسی در آن حادثه شهید شدند به برکت شهید رئیسی اوج گرفتند و عزیز شدند.» سید علی آل هاشم فرزند محمد تقی در سال ۱۳۴۱ در تبریز در یک خانواده مذهبی و طلبه علوم دینی متولد شد ایشان یک خواهر و سه برادر داشتند پدر ایشان از روحانیان برجسته تبریز هستند. آیت الله آل هاشم پس از ۶۲ سال زندگی پربرکت و با عزت و و خالصانه و فعالانه در عرصه سیاست و دین در آخر در حادثه ای همراه رئیس جمهور به شهادت رسیدند. ایشان در تبریز تا مقطع دبیرستان تحصیل کردند و بعد وارد حوزه شدند و تا مقطع ۴ حوزه یعنی دکتر را گذراندند. ایشان سابقه درخشانی در جنگ دفاع مقدس دارند و با شهادی بزرگی همچون شهید صیاد شیرازی هم‌رزم بودند و درخشانترا اینکه از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ با حکم رهبر مسئولیت سنگین نمایندگی ولایت فقیه را به عهده داشتند و مسئولیت‌هایی از قبیل مسئول ستاد نماز جمعه تبریز معاون هماهنگ کننده سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، معاون تبلیغات و روابط عمومی سازمان عقیدتی سیاسی منطقه آذربایجان و با تصویب فرماندهی معظم کل قوا رئیس اداره عقیدتی نیروی زمینی ارتش شدند. حجت الاسلام سید محمدعلی آل هاشم عضو میز آذربایجان در مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و از این ناحیه هم خدمت ارزشمند و ارزنده‌ای به این منطقه داشتند. اما در کل ایشان

از صدر تا سقوط

بررسی صدور حکم عزل بنی صدر

اولین تجربه نویسندگی

● ساره سمیع - کارشناسی ارشد اقتصاد

به نام «جلال‌الدین فارسی» شایعه کرد که ایرانی‌الاصل نیست و افغانستانی است، و با همراهی برخی مانند شیخ علی‌تهرانی اسنادی رو کردند که از فارسی توضیح خواستند؛ توضیحات فارسی عقلانی و درست بود اما مراجعات پی در پی به بیت امام، فارسی را از رقابت‌ها کنار زد.

امام‌خمینی در حکمی ریاست‌جمهوری بنی‌صدر را در پانزدهم بهمن ۱۳۵۸ در حالی که در بیمارستان قلب تهران بستری بود، در محل بیمارستان تنفیذ کرد. ایشان در این حکم با اشاره به این نکته که تنفیذ رأی مردم از جانب ایشان، محدود به تخلف نکردن بنی‌صدر از احکام اسلام و تبعیت از قانون اساسی است، از قشرهای مختلف و احزاب سیاسی درخواست کرد تا در شرایط حساس کشور و تا زمانی که رئیس‌جمهور بر محور عدل حرکت می‌کند، با حسن‌نیت و دوری از تفرقه، اختلاف و کارشکنی، از او پشتیبانی کنند. اهداف بنی‌صدر پس از اخذ پست ریاست‌جمهوری، دوباره‌سازی مراکز قدرت، از دور خارج کردن تدریجی سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب و کمیته‌ها و ادغام آنها در سایر سازمان‌های دولتی، کاستن

اقتصاد توحیدی با گروه‌های چپ برگزار کرد مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و وی را «ثورسین انقلاب» لقب دادند. پس از استعفای دولت موقت، سرپرستی وزارتخانه امور خارجه و اقتصاد و دارایی را در اختیار داشت و بعد از ثبت‌نام در انتخابات از سرپرستی وزارت خارجه استعفا داد. قبل از نام نویسی در انتخابات، بنا به اصرار مردم گفته بود که ابتدا باید از امام اجازه بگیرم و پس از دیدار با امام خمینی در انتخابات نام‌نویسی کرد و جوری به مردم القا کرد که با تأیید امام به انتخابات آمده و گزینه ایشان بود، در حالیکه امام صراحتاً گفتند: «من از اول با ریاست‌جمهوری بنی‌صدر مخالف بودم.»

بنی‌صدر عکس‌هایی از خود در کنار رهبران روحانی انقلاب منتشر کرد و همین اتفاق اثرات روانی لازم را به سودش در میان مردم داشت. او می‌گفت: ماییم و یک بیمار فلج به اسم اقتصاد و باید به عنوان یک طبیب بر سر وقت این بیمار برویم و چه کنیم که نمیرد. اینچنین بود که او در سخنرانی‌های خود از اوضاع و شرایط انتقاد می‌کرد و خود را منجی اقتصاد ورشکسته ایران معرفی می‌کرد. همچنین برای یکی از کاندیدا

در شرایطی که کابینه دولت موقت در ۱۵ آبان ۱۳۵۸ خورشیدی استعفا داده بود و شورای انقلاب تا زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، قوه مجریه را اداره می‌کرد. در این شرایط اکبر هاشمی رفسنجانی متصدی وزارت کشور و متولی برگزاری انتخابات شد.

و اولین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در پنجم بهمن ۱۳۵۸ با حضور ۶۷.۴ درصدی مردم برگزار شد و نخستین گام تحقق آرمان مردم‌سالاری در نظام نوپای جمهوری اسلامی برداشته شد.

در میان ۱۰ نامزد معرفی شده، این ابوالحسن بنی‌صدر بود که با ۷۶ درصد آرای ماخوذه به عنوان اولین رئیس‌جمهور، ایران انتخاب شد.

اما این انتخابات سرنوشتی عادی نداشت و در این مسیر اتفاقاتی افتاد که عمر این ریاست‌جمهوری حتی به دو سال هم کشیده نشد.

بنی‌صدر متولد ۱۳۱۲ در همدان بود و پدرش روحانی بسیار شناخته شده‌ای بود. در فرانسه اقتصاد خواند و پس از ۱۵ سال زندگی در آنجا، در بهمن ۵۷ همراه با امام خمینی به وطن بازگشت. با مناظره‌های سیاسی جذابی که در باب اقتصاد بالاخص



یک خطی را منتشر کردند؛ «بسم الله الرحمن الرحيم ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران. آقای ابو الحسن بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شده‌اند.»

در ۳۰ خرداد ۶۰ هم در مجلس با رای ۱۷۱ نفر موافق، ۱۲ نفر ممتنع و ۱ نفر مخالف، طرح عدم کفایت بنی صدر رأی آورد و وی از ریاست جمهوری هم برکنار شد.

پس از خلع از این سمت، در ۷ مرداد ۶۰ با همکاری برخی عوامل نفوذی سپاه پاسداران با لباس زنانه به فرانسه فرار کرد. سپس به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمد و با مسعود رجوی هم پیمان شد و حتی مسعود رجوی با هدف بهره‌برداری از شهرت تبلیغاتی و ارتباطات قدیمی بنی‌صدر، با دختر وی ازدواج کرد.

سرانجام بنی صدر در روز ۱۷ مهر ۱۴۰۰ در سن ۸۸ سالگی در بیمارستانی در پاریس درگذشت.

وجود شروع جنگ در نامه ای به امام، نخست وزیر و کابینه‌اش را بی کفایت برشمرده بود. نقطه عطف برخورد بنی‌صدر با خط امام برگزاری میتینگ ۱۴ اسفند (برای بزرگداشت مصدق) بود. این مراسم به صحنه بزرگ و بی‌سابقه‌ای از صف‌آرایی و رودررویی جبهه ائتلافی ضدانقلاب، چپ‌های آمریکایی و گارد شبه‌نظامی بنی‌صدر با مردم و توده‌های انقلاب و مدافع خط امام تبدیل شد. بعد از این مراسم منافقین، لیبرالها، چریک‌های فدایی خلق و طرفداران بنی‌صدر در تمامی شهرهای ایران با انواع سلاح‌ها به جان مردم بی‌دفاع و طرفدار امام افتاده و بسیاری را شهید و ترور کردند.

پس از این ماجرا مردم به مخالفت یا بنی صدر به پا خواستند و پس از مخالفت‌های بسیار با امام و اقدامات خطا و منافقانه خود که خیانت‌های بزرگی در ۹ ماه ابتدایی جنگ به کشور وارد کرد؛ در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ امام خمینی این نامه

نفوذ روحانیون و همچنین ایجاد طرحی برای به‌سازی و توسعه اقتصادی کشور، بود.

بنی صدر که در انحلال دادگاه‌های انقلاب، سپاه پاسداران و کمیته‌ها و همچنین تحت کنترل درآوردن قوه قضاییه و رادیو و تلویزیون شکست خورده بود؛ در اولین انتخابات مجلس هم تعداد کمی از نامزدهای موردحمایتش به مجلس ورود کردند که بنی صدر این را تقلب نامید.

همچنین مخالف انقلاب فرهنگی‌ای بود که در دانشگاه‌ها رخ می‌داد. و طی کشمکش مجلس با او چند ماه تمامی گزینه‌های پیشنهادی نخست‌وزیری‌اش رد می‌شد. سرانجام از روی اکراه و تحت فشار، رجایی را که مورد تایید او نبود در مرداد ۵۹ به سمت نخست‌وزیری دولت انتخاب کرد و مدت کوتاهی پس از عدم قبول بنی‌صدر در پذیرفتن نامزدهای منتخب رجایی برای کابینه دولت، روابط این دو به ناسازگاری انجامید. حتی با

فدائی ۲۰ ساله

۲۶ خرداد سال ۴۴ و ماجرای شهادت محمد بخارایی عضو گروه فدائیان اسلام

● ریحانه صالحی فر-کارشناس علوم تربیتی

متولد سال ۱۳۲۳ هجری شمسی بود. محمد توسط حاج شیخ علی اصغر هرنیدی با اسلام و افکار روشنفکرانه در نهضت امام آشنا شد و به واسطه توانمندی و صلاحیتی که از خود نشان داده بود عضو هیئت‌های مؤتلفه اسلامی شد. فصاحت، بلاغت و شجاعت از ویژگی‌های بارز او بود.

حزب مؤتلفه اسلامی از احزاب مذهبی، سیاسی است که توسط امام خمینی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی از ائتلاف سه هیئت مذهبی به نام‌های مسجد امین الدوله، هیئت اصفهانی‌ها تشکیل شد. اندیشه قالب این گروه اندیشه امام خمینی بود و از نخستین نقش‌های آنها در انقلاب دست داشتن در تظاهرات ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت ایران در زمان پهلوی دوم بود.

انتهای ماجرای ترور منصور به جایی رسید که هر چهار نفری که به شکل ویژه در این ماجرا دست داشتند محکوم به اعدام حکومتی یعنی تیرباران توسط نیروهای ارتش شده و مابقیه اعضا هم که در این قضیه دست داشتند و شناسایی شده بودند؛ غالباً محکوم به حبس

را به سمت پس گردن او نشانه گرفت و قبل از شلیک سوم که کار را همان‌جا تمام کند اعضای گارد با ضربه‌ای اسلحه را از دست محمد خارج کرده و او را می‌گیرند.

مرتضی نیک نژاد برای رها سازی محمد از دست نیروهای سلطنتی شروع به تیراندازی و متشنج کردن فضا می‌کند. از قضا چند نفر از مأموران مجلس و یک مأمور پست بعد از شنیدن صدای شلیک وارد محوطه بیرون مجلس شدند و نیک نژاد را گرفتند ولی نیک نژاد اظهار به عدم آگاهی از موضوع کرده و به سمت خیابان اشاره می‌کند. مأموران هم که می‌بینند فردی در حال گریختن از میانه خیابان است مرتضی را رها کرده و به دنبال فرد متواری می‌روند. مرتضی داخل تاکسی که پوششش بوده برگشته و از محل دور می‌شود و اما سرانجام محمد؟! هوا یخبندان بود و زمین لیز. محمد سُر خورد سرعت؛ حرکت او کاهش یافت و در نهایت توسط چند پلیس دستگیر شده و به کلانتری بهارستان منتقل شد. محوریت داستانی که روایت شد محمد بخارایی شهید فدایی اسلام است. او فرزند علی اکبر بخارایی، زاده جنوب تهران و

بچه‌ها بعد از ساعت ۱۲ و پس از آماده‌سازی نقشه ترور تا نزدیک‌های اذان صبح استراحت کردند. محمد روز قبل به بهانه مراسم ازدواج از اوستای خود اجازه گرفته بود تا فردا در کارگاه حاضر نشود و برای عادی جلوه دادن شرایط اصلاح کرده و تمیز از خانه خارج شد. همانطور که انتظار می‌رفت ماشین منصور ساعت ۱۰ وارد میدان بهارستان شد. مثل اینکه بخت با اعضا یار بود. منصور قبل از اینکه راننده برای انجام تشریفات پایین بیاید خودش درب را باز کرده دو نفر از بچه‌ها هم مسلح داخل یک تاکسی و در قالب پوشش موقعیت را زیر نظر داشتند؛ تا در صورت بروز اختلال در جریان عملیات پشتیبانی را شروع کنند.

محمد قبل از اینکه گارد محافظ نخست وزیر، خودروهای خود را متوقف کنند به سمت ماشین منصور رفت و به بهانه تحویل نامه‌ای که بین یک دفترچه بود و اتفاقاً اسلحه هم همان جا بود به او نزدیک شد. به محض خروج منصور از ماشین گلوله اول شلیک شد و به شکم او اصابت کرد. منصور بر اساس واکنش طبیعی در اثر ضربت گلوله خم شد؛ محمد تیر دوم

مرتضی نیک نژاد؛ در سحرگاه ۲۶ خرداد مقابل جوخه اعدام قرار گرفتند و به درجه شهادت نائل آمدند. انتشار خبر شهادت آنها اثر عمیقی بر پیکره جامعه گذاشت. رژیم پهلوی از برگزاری هر گونه مراسمی جلوگیری کرد و جنازه شهدا را مخفیانه به محلی بسیار دورتر از مسگرآباد اصلی برده و در جاده خاوران دفن کردند و سرانجام حرف، حرف آفریدگار این جهان شد که محمد بخارایی شب قبل از عملیات با صراحت تمام آن را بازگو کرده بود:

«یحب الذین یقاتلون فی سبيله صفا کانهم بنیان مرصوص»

او بزرگ بود و نشانه روی نمی خواست من هم می خواستم که او را از پا در بیاورم» باز می پرسند: «چرا گلوله دوم را به حنجره او زدید؟» می گوید: «می خواستم گلوله دوم را به مغز او بزنم اما قبل از اینکه گلوله را به مغز او بزنم یادم آمد که این حنجره او بوده که به مرجع تقلید و رهبر اسلامی من اهانت کرد باید اول حنجره او دریده شود» گفتند: «چرا گلوله سوم را نزدی؟» گفت: «متأسفانه پوکه گیر کرده بود و گلوله سوم شلیک نشد.» که این نشانه شجاعت و ایستادگی بالای این شهید والا مقام است.

حاج صادق امانی، محمد بخارایی، رضا صفار هرنندی و

شدند. در شهربانی محمد را هر چقدر مورد بازجویی قرار دادند چیزی نمی گفته جز صلوات و ذکر نام رهبر انقلاب. در آغاز بازجویی‌ها هم آنقدر در برابر سخن گفتن مقاومت می کرده که مأمور ساواک فکر کرده که محمد لال است و نمی تواند صحبت کند. اما متأسفانه سرانجام با یافتن کارت شناسایی که مربوط به مدرسه شبانه او بود توانستند خانواده او و سایر اعضای گروه را شناسایی کرده و تحت فشار و شکنجه قرار دهند.

در یکی از جلسات دادگاه از محمد می پرسند: «چرا گلوله را به مغز حسنعلی منصور نزدی؟» می گوید: «چون شکم



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

مدیر مسئول: زهرا سعیدی

سردبیر: نرگس خطیب دماوندی

هیئت تحریریه: نازنین زهرا منیبی، نرگس علینقیان، ریحانه صالحی فر، فاطمه خلیلی یگانه، ساره سمیع، فاطمه پیروزی، فاطمه کمالی خواه، نرگس خطیب دماوندی

@anjoman_eslami_alzahra

@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۹۱۱۲۸۰۵۷۲۶ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

ویراستار: محدثه اخگری
صفحه آرا: نرگس خطیب دماوندی